

عنوان مقاله:

فلسفه مجازات افلاطون

محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه، دوره 44، شماره 1 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

سیدمحمد رضا حسینی بهشتی - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تهران

احسان پشت مشهدی - دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

مفهوم مجازات یکی از مفاهیم مورد توجه فلسفه افلاطون است که در دیالکتیک با مفهوم عرفی مجازات به دست می آید. افلاطون با رد مبنای کین خواهی رایج در مورد مجازات در زمان خود، فلسفه مجازات را اصلاح مجرم می داند. به تعبیر او مجرم پیش از آنکه خطاکار باشد، فردی جاهل به خیر و شر و بیماری دچار عدم تعادل در قوای نفسانی خود است که توان مهار خشم و شهوت خود را توسط عقل خود ندارد. از همین رو مجازات می بایست مجرم را متوجه خیر و شر حقیقی کند و چون دارویی تلخ توان مهار خشم و شهوت را به او ارزانی دارد. برای این منظور از لحاظ منطقی دو حالت وجود دارد؛ یا اینکه قدرت جزء عالی بیشتر گردد یا اینکه قدرت جزء دانی کمتر گردد. بنابراین مجازات افلاطونی به دو شیوه می تواند عمل کند: اول آنکه با آموزش بر قدرت عقل بیفزاید و دیگری آن که از قدرت امیال دانی کم کند. حالت اول گستره وسیع آموزش را در بر می گیرد و حالت دوم گستره وسیع کم توانی را. در نهایت افلاطون با مقوله بندی و شخصیت شناسی مجرمین شیوه و غایت اصلاحی مجازات را تعیین می کند. از نظر او مجرمان در پنج طبقه سوفیست، فرد جاه طلب و جنگجو یا تیموکرات، فرد مال دوست و حریص یا آریستوکرات، فرد بی بند و بار یا دموکرات و در نهایت فرد مستبد طبقه بندی می شوند که هر یک مجازات مخصوص خود را می طلبند.

کلمات کلیدی:

افلاطون، مجازات، دیالکتیک، جرم و مجرم، کین خواهی، اصلاح گرای

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1213727>

